

عمادی حائری، اسماعیل، ۱۳۱۱-
گوهر سخن (دیوان اشعار استاد سید اسماعیل عمادی حائری).
- اصفهان: محبان، ۱۳۸۳.
۱۱۷ ص.

ISBN 964-8592-13-6: ریال ۱۰۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. ۲. شعر مذهبی -- قرن
۱۴. الف. عنوان.

گ ۳۳۴ / م ۱۵۱ PIR
۱۳۸۳

۸ فا ۱/۶۲
گ ۸۸۴ ع
۱۳۸۳
م ۸۳-۳۱۶۸۹

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب:

نام کتاب: گوهر سخن (دیوان اشعار استاد سید اسماعیل عمادی حائری)

مولف: سید اسماعیل عمادی حائری

ناشر: محبان

شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۸۴

لیتوگرافی: ثامن

نشانی: اصفهان - خیابان حافظ، سه راه کرمانی، انتشارات محبان

تلفن: ۰۹۱۳۳۱۴۳۸۵۴-۲۳۵۲۹۶۵

گوشه سخن

دیوان اشعار استاد سید اسماعیل عمادی حائری

فهرست

پیشگفتار

یک	درآمد.....
دو	احوال و آثار.....
شش	تأملی کوتاه در گوهر سخن.....

قصیده

۱	بهار.....
۲	در ولادت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
۳	حماسه افتخار.....
۴	در سوگ امام خمینی.....
۵	در ولادت حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام
۷	کتاب.....
۸	در نعت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۹	گوهر سخن.....
۱۱	در نعت صدیقه کبریٰ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۱۲	در ولادت و منقبت حضرت امام حسین سید الشهداء علیه السلام
۱۳	آفت روح.....
۱۴	درباره جنگ تحمیلی.....
۱۶	در سوگ استاد شهید مرتضی مطهری (ره).....

۱۷	در شهادت بسیجی شهید حامد سرهنگپور
۱۸	در میلاد مسعود حضرت صاحب الزمان حجّت بن الحسن علیه السلام
۱۹	در بعثت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۲۰	در رحلت حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمد سالکی (ره)
۲۱	در ستایش خداوند متعال و پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۲۳	در شهادت پاسدار شهید سید محمد شمس قاسمی
۲۴	در میلاد مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
۲۵	زندگی چیست؟
۲۶	شهید
۲۷	کاروان حق
۲۹	در سوگ حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره)
۳۰	در نعت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۳۲	در نعت قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام
۳۳	در ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
۳۴	در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
۳۵	در ولادت حضرت امام محمدباقر علیه السلام
۳۶	سخن شبانگاه
۳۷	در ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
۳۸	آرزو
۳۹	پیکار با نفس
۴۰	مقاومت پیروز
۴۱	هلال ماه صیام
۴۲	معلّم
۴۳	در مدح امیرالمؤمنین علی علیه السلام
۴۴	در نعت حضرت امام محمدتقی علیه السلام
۴۵	وصف شعر
۴۶	اندرز به جوانان
۴۷	طوفان انقلاب اسلامی

۴۸	مناعت طبع
۴۹	پیام اشک
۵۰	صبح ظفر
۵۱	حماسه فلسطین
۵۲	در سالگشت رحلت حضرت آیه الله العظمی آقا سید اسماعیل عمادی حائری مازندرانی (ره)
۵۳	در سالباد رحلت حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقا سید محمد عمادی حائری (ره)
۵۴	در نعت عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام
۵۵	در پیشگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
۵۶	در نعت حضرت امام علی نقی علیه السلام
۵۷	رهبر بت شکن
۵۸	تابنده ماه

غزل

۶۱	سیل غم
۶۱	مهر جان افروز
۶۲	تنهایی
۶۲	کمند عشق
۶۳	نوروز
۶۳	که می رس
۶۴	دولت استغنا
۶۴	تلخی حیات
۶۵	اسیر عشق
۶۵	لشکر غم
۶۶	شاهد بی بدل
۶۶	دل آزرده

مثنوی

۶۹	گلدان شکسته
----	-------------

۷۰	مادر.....
۷۱	گرگ و میش.....
۷۳	پیام به دانش آموز.....
۷۴	معراج مؤمن.....
۷۵	هیزم شکن و مرگ.....
۷۷	طلوع آفتاب.....
۷۸	برای فرزندانم.....

چهارپاره

۸۳	بانگ جرس.....
۸۵	نهاد امید.....

مسمط

۸۹	در میلاد مسعود حضرت رسول اکرم ﷺ.....
----	--------------------------------------

قطعه

۹۳	در رحلت حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید ابوالحسن حسینی (ره).....
۹۳	در سوگ استاد سید محمدحسین شهریار.....
۹۴	در هفتادمین سال زندگی.....
۹۴	شاعر خودپسند.....
۹۵	به مناسبت درگذشت مرحوم حاج سید مصطفی طاهری.....
۹۵	تقدیم به مادرم.....
۹۶	مؤمن راستین.....

مستزاد

۹۹	عشق حبیب.....
----	---------------

١٠٣

چهل حديث

١٠٧ مقدمه

١٠٨ ١. آفةُ الخديثِ الكذبِ.

١٠٨ ٢. آفةُ الجودِ السرفُ.

١٠٨ ٣. آفةُ الدينِ الهوى.

١٠٨ ٤. آفةُ الشجاعةِ البغى.

١٠٨ ٥. آفةُ العلمِ النسيانُ.

١٠٨ ٦. إرحم من فى الأرض يرحمك من فى السماء.

١٠٨ ٧. أغنى الناس من لم يكن للحرص أسيراً.

١٠٨ ٨. أذلُّ الناس من أهان الناس.

١٠٩ ٩. أزهّد الناس من اجتنب الحرام.

١٠٩ ١٠. المجلس الصالح خير من الوحدة.

١٠٩ ١١. الوحدة خير من مجلس السوء.

١٠٩ ١٢. حُبُّ الدنيا رأس كل خطيئة.

١٠٩ ١٣. خير إخوانكم من أهدى إليكم عبوبكم.

١٠٩ ١٤. ذكر الله شفاء القلوب.

١٠٩ ١٥. صوموا تصحوا.

١٠٩ ١٦. من عَزَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَزَفَ رَبَّهُ.

١١٠ ١٧. لا صلوة لجار المسجد إلا فى المسجد.

١١٠ ١٨. حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ.

١١٠ ١٩. يَهْزَمُ إِنْ أَدَمَ وَيَبْقَى مَعَهُ إِنْ تَنَاجَى الْجِرَافُ وَالْأَمَلُ.

١١٠ ٢٠. الناس رَجُلَان: عَالِمٌ وَمُتَعَلِّمٌ وَلَا خَيْرَ فِى سَوَاهُمَا.

١١٠ ٢١. الْأَدَبُ مَالٌ وَاسْتِعْمَالُهُ كِمَالٌ.

١١٠ ٢٢. أَوَّلُ الْغَضَبِ جَنُونٌ وَآخِرُهُ نَدَمٌ.

١١٠ ٢٣. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِىكَ مِثْلُهُ.

۲۴. تَرُكُ الْخَطِيئَةِ أَيْسَرُ مِنَ التَّوْبَةِ. ۱۱۰
۲۵. تَمَرَّةُ التَّفْرِيطِ التَّدَامَةُ وَ تَمَرَّةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ. ۱۱۱
۲۶. أَلَدُهُ بِإِيمَانٍ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ، فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرُ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ. ۱۱۱
۲۷. رَبُّ كَلَامٍ جَوَابَةُ السُّكُوتِ. ۱۱۱
۲۸. الطَّامِعُ فِي وَثَاقِ الدُّلِّ. ۱۱۱
۲۹. أَلْنَبِيَّةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ. ۱۱۱
۳۰. قَصَمَ ظَهْرِي زَنْجِلَانِ: رَجُلٌ مُيْنَسَكَ وَ عَالَمٌ مُيَهَّتَكَ. ۱۱۱
۳۱. الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ. ۱۱۱
۳۲. لَاطَاعَةُ الْمَخْلُوقِ فِي مَقْصِيَةِ الْخَالِقِ. ۱۱۲
۳۳. الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. ۱۱۲
۳۴. مَنْ ضَارَعَ الْحَقَّ صَرَعَهُ. ۱۱۲
۳۵. مَنْ صَبَرَ ظَفَرَ. ۱۱۲
۳۶. مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتِ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ. ۱۱۲
۳۷. النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. ۱۱۲
۳۸. أَلْتَصَحُّ بَيْنَ الْمَلَأِ تَفْرِيعٌ. ۱۱۲
۳۹. أَلْوَرَعُ جُنَّةٌ. ۱۱۲
۴۰. يَذَالِلُهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ. ۱۱۳

شعر آزاد

خورشید ۱۱۷

درآمد

هیچ گاه آن شب سرد زمستانی را از یاد نمی‌برم که سودای تدوین اشعار پدر، خواب از دیدگانم ربوده بود. به تازگی پای به دبیرستان نهاده بودم (۱۳۷۳ ش) و چندی بود که اندیشه به سامان کردن آن اوراق پراکنده در ذهنم جولان داشت. آن شب چشمانم بدان برگه‌های آشفته دوخته بود. چند صد برگه - مُسَوِّده و بیاض، دستنویست و حروفچینی شده - بی هیچ نظم و ترتیبی به روی هم افکنده شده بود. از برخی قطعات چند دستنویست موجود بود و از برخی دیگر تنها سیاهه‌ای با خط خوردگی و تجدیدنظرهای فراوان وجود داشت. هر لحظه نیز بیم آن می‌رفت که پراکندگی به از دست رفتن این مجموعه بینجامد. مجموعه‌ای که پدر خود عنوان «گوهر سخن» را بر آنها نهاده بود، برگرفته از مطلع این قصیده که:

سخن آدمی را بهین گوهرست.^۱

آن شب طرح کلی را در ذهن ترسیم کردم و با خیال شادمانی از برآوردن این آرزو در خواب شدم.

صبح فردا این موضوع را با پدر در میان نهادم و او نیز استقبال کرد. قرار بر آن شد که تدوین اشعار را - بر حسب سیره سلف - به عهده گیرم و همه دستنویسته‌ها و یکی - دو دفتر که پدر به گونه موضوعی به خط خویش اشعار را در آن گرد آورده بود، به یک رشته کشم، و سپس همه شعرها در حضور او خوانده شود و پس از پیرایش نهایی در دفتر ثبت گردد. چنانکه گمان می‌بردم، کار به کندی پیش رفت. وسواس پدر و پس و پیش کردن قافیه‌ها صبر از کف و حوصله از سر به در می‌برد. باری، آن کار که در زمستان آغاز گردیده بود، در بهار سال بعد پایان گرفت، و من از آن بحث شعر بهره‌ها بردم.

مجلس انس و بهار و بحث شعر اندر میان نستدن جام می از جانان گرانجانی بود

در تابستان ۱۳۷۹ - که به تصحیح و تحقیق هدیه الخیر بهاءالدوله نوربخش مشغول بودم^۱ - فراغتی فراهم گشت که در تنظیم آن مجموعه تأملی دوباره کنم، و حاصل آن، دفتر پیش روست.

احوال و آثار

سید اسماعیل عمادی حائری، حفید حضرت آیه الله العظمی آقا سید اسماعیل عمادی حائری مازندرانی^۲ و نجل حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمد عمادی حائری^۳،

۱- این اثر در سال ۱۳۸۲ توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با همکاری دانشگاه تهران و مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن‌ها به چاپ رسید.

۲- حضرت مستطاب آیه الله العظمی آقا سید اسماعیل عمادی حائری نجل عمده التجار آقا سید فضل الله حسینی بارفروشی در میانه سال‌های ۱۲۷۵ - ۱۲۸۰ ق در محله مسجد جامع بارفروش (بابل کنونی) دیده به گیتی گشود. ایام صباوت را به تحصیل علم سپری کرد، تا آن گاه که در جوانی به عنوان یکی از نزدیک ترین تلامذه آیه الحق حاج ملا محمد اشرفی شناخته شد. پس از آن به نجف اشرف هجرت نمود و در آنجا از محضر استوانه های فقاوت: حاج میرزا حبیب الله رشتی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی، حاج شیخ عبدالله مازندرانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی بهره های وافر برد و به مقام رفیع اجتهاد دست یافت و از سوی آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی به اخذ اجازه اجتهاد مطلق نائل آمد. در اخلاق و عرفان از محضر عارف سترگ آخوند ملا حسینقلی همدانی بهره مند گشت، و در علوم غریبه (جفر و کیمیا) نیز از اساتید ویژه ای استفادت جست و در این علوم نیز مهارت یافت. او در عتبات بزرگ سی تدریس تکیه زد و به فقاوت و علم، و زهد و ورع نامبردار گردید. پس از حدود ۲۰ سال اقامت در نجف اشرف، در کربلای معلی سکونت گزید و عهده دار امامت حرم مطهر حسینی گردید. شهرت ایشان به «پیشماز» که در برخی اسناد آمده، از همین روست. در همان سال‌ها، حاج علی اکبر بلورچی مسجد «بی سرنکیه» بارفروش را تجدید بنا کرد و از ایشان برای امامت آن دعوت نمود، ولی او آن را نپذیرفت. باری، پس از ۴۰ سال اقامت در عتبات عالیات به سال ۱۳۰۸ ش / ۱۳۴۸ ق به قصد ادای مقصود و اقامتی کوتاه به مازندران آمد. با ورود به بارفروش، از سوی علما، اعیان و رئیس معارف و اوقاف وقت - به اتفاق کل - اصرار گردید که امامت مسجد جامع عتیق بارفروش را - به عنوان اعلم علمای آن دیار - عهده دار شود. ولی او از آن کناره گرفت و در منزل اقامه جماعت می فرمود که مؤمنان در آن شرکت می جستند. در این دوره بود که نام خانوادگی «عمادی حائری» را - به سبب انتساب به میرعمادالدین حسینی (م ۸۰۳ ق) از حکام مذهبی طبرستان، و اقامت طولانی در حائر حسینی - برای خانواده اش برگزید. باری، در حالی که تا چندی دیگر عازم بازگشت به عتبات بود، در شبی سرد که برای تهجد برخاست بیمار گردید و پس از چند روزی در سجده نماز مغرب و در نزدیک ترین حالت به معبود خویش به دیار باقی شتافت. این واقعه در دی ماه ۱۳۱۰ ش / شعبان ۱۳۵۰ ق رخ داد. پیکر مطهرش را در مقبره و بالاسر استاد گرانقدرش حاج ملا محمد اشرفی به خاک سپردند. اعلی الله مقامه الشریف. از آنجا که ایشان فصد بازگشت به عتبات را داشت، کتابخانه و جمیع آثار علمی خود را در آنجا باقی گذاشت و از این رو اینک از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. تنها اثری که هم اکنون از آن جناب در دست است، کتابی در دعاست که نگارنده در دفتر یازدهم میوات حدیث شیعه (قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲) به تفصیل به معرفی آن پرداخته است.

۳- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقا سید محمد عمادی حائری به سال ۱۲۶۸ ش در بارفروش (بابل

در ۱۲ دی ماه ۱۳۱۱ شمسی برابر با ۷ رمضان المبارک ۱۳۵۱ قمری در بابل متولد شد. خانواده وی پیش از او صاحب فرزندی چند شده بودند که همگی در عتبات ولادت یافته و در همان جا در خردسالی درگذشتند، جز یک دختر که هم اینک در قید حیات است و ۴ سال پیش از او در کربلا متولد گردیده است. از جمله آن فرزندان، کودکی بود با کیاست و هوش به نام «سید حسین» که سخت مورد علاقه جد خویش (ره) بود و

بالای سرش ز هوشمندی می تافت ستاره بلندی.

وی در مدرسه ایرانیان مقیم عراق به تحصیل اشتغال داشت و در ۱۰ سالگی درگذشت و در صحن حرم مطهر حسینی مدفون گشت.

باری، او آخرین فرزند خانواده خود است و در مازندران دیده به جهان گشود، دو - سه سالی پس از سفر جد خویش - اعلی الله مقامه - که به رحلت آن بزرگ و اقامت دوباره خاندان او در مازندران انجامید. وی یک سال پس از ارتحال جد خود تولد یافت، بدین رو نام جدش را بر او نهادند و بنابر سنت خانواده های ایرانی او را «آقابزرگ» خواندند.

دوره شش ساله ابتدایی را در دبستان شاهپور گذراند و در خرداد ۱۳۲۴ گواهینامه شش ساله ابتدایی را دریافت داشت.^۱ سپس از آن در دبیرستان شاهپور (امام خمینی) به تحصیل پرداخت، و در خرداد ۱۳۳۱ گواهینامه پایان تحصیلات شش ساله متوسطه را در رشته طبیعی

فعلی) متولد شد. از کودکی به تحصیل علوم دینی در مدرسه صدر پرداخت و در حدود ۱۲ سالگی به دست آیه الحق حاج ملا محمد اشرفی معتم گردید و به والد بزرگوارش در نجف اشرف پیوست. در آنجا از محضر بزرگانی چون: آقا سید محمد کاظم یزدی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین قمی و والد معظمش بهره برگرفت و به مقام علمی شایخ دست یافت و از جمله به اخذ اجازه از آیت الله اصفهانی نائل آمد. در سال ۱۳۰۸ ش به همراه والد ارجمندش راهی ایران شد و پس از رحلت آن جناب، در بابل مقیم گردید. ایشان عمری را با زهد و پارسایی سپری کرد و سرانجام در ۱۲ مرداد ۱۳۳۱ ش / ۱۱ ذی القعدة ۱۳۷۱ ق دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت و در یکی از مقابر آرامگاه معتمدی بابل (مقبره دوم، دست چپ) مدفون گشت. رضوان الله تعالی علیه.

۱- در این هنگام پدر بزرگوارش (ره) به او پیشنهاد کرد که به تحصیلات حوزوی بپردازد، لیکن فرزند را در انتخاب بین علوم قدیم و جدید آزاد گذاشت.

به دست آورد.^۱ در مرداد ماه همان سال، پدر بزرگوارش درگذشت و تأثر از آن واقعه، این جوان به ظاهر آرام را از موفقیت در آزمون دانشگاهی بازداشت. در سال ۱۳۳۲ به عنوان آموزگار به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و هفت سال در دبستان‌های بابل به تعلیم پرداخت.

در این سال‌ها بود که در اندیشه ادامه تحصیل - به ویژه تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم - افتاد. بدین عزم، در مهرماه ۱۳۳۹ به تهران انتقال یافت و در شهریور ۱۳۴۰ با شرکت در امتحان ورودی دانشگاه تهران، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده معقول و منقول (الهیات فعلی) پذیرفته شد و در مهرماه همان سال در رشته ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نام نوشت و مشغول تحصیل گردید.

دانشکده ادبیات در آن روزگار، مجمع سرآمدان علم و تحقیق بود. او در آنجا از محضر استوانه‌های ادب و دانش عصر حاضر بهره‌های وافر برد و از خرمن فضل ایشان خوشه‌ها چید. وی از استادان خود و دروسی که تدریس می‌نمودند، چنین یاد کرده است:

استاد دکتر محمد معین (تحقیق در متون ادب فارسی، دستور زبان فارسی)، استاد دکتر سید جعفر شهیدی (تحقیق در متون ادب فارسی)، استاد دکتر سید صادق گوهرین (تحقیق در متون ادب فارسی)، استاد دکتر لطفعلی صورتگر (سخن‌سنجی)، استاد دکتر حسین خطیبی (سبک‌شناسی نثر فارسی، دستور زبان فارسی)، استاد دکتر پرویز ناتل خانلری (تاریخ زبان فارسی، تحقیق در وزن شعر فارسی)، استاد دکتر ذبیح‌الله صفا (تاریخ ادبیات در ایران)، استاد علامه جلال‌الدین همایی (صناعات ادبی)، استاد سید محمدتقی مدرس رضوی (صرف و نحو عربی)، استاد سید جلال‌الدین محدث ارموی (صرف و نحو عربی)، استاد عبدالحمید بدیع‌الزمانی (ادبیات عرب)، استاد دکتر صادق کیا (زبان پهلوی)، استاد دکتر بهرام فره‌وشی (زبان اوستا و پارسی باستان)، استاد پروفیسور ایندو شیکهر (زبان سنسکریت)، استاد بانو ماه‌منیر نفیسی (زبان و متون ادبیات فرانسوی)، استاد علامه آیت‌الله سید محمدکاظم عصار (فلسفه اسلامی).

در سال ۱۳۴۳ با ارائه رساله خود با عنوان «استخراج لغات و جملات عربی و آیات قرآن

۱- از جمله دبیران مایه‌ور در آن روزگار، می‌توان به استاد عبدالمحمد آینی اشاره کرد که در آن سال‌ها در بابل اقامت داشت و پدر زبان و ادب عربی و فارسی را از او درس گرفت.

کریم از کتاب زادالمسافرین - ترجمه و تفسیر آن» به راهنمایی «استاد بارع عربیت»^۱ مرحوم عبدالحمید بدیع الزمانی، به درجه لیسانس ادبیات فارسی نائل شد. استاد بدیع الزمانی بر ظُهر آن رساله چنین نوشت: «آقای عمادی حائری، رساله را خوب نوشته‌اید. شما دانشجویی کوشا و منظم و باانضباط بودید. از شما راضی و خشنودم. توفیق آن فرزند گرامی را از خدا خواهانم. عبدالحمید بدیع الزمانی، تیرماه ۱۳۴۳ خورشیدی، طهران».

پس از آن به مدت دو سال (۴۴ - ۱۳۴۳) به عنوان دبیر دبیرستان‌های تهران به تدریس اشتغال داشت. در مهرماه ۱۳۴۴ ازدواج کرد و با آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۵ به شهرستان بابل منتقل گردید و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها به تدریس ادبیات فارسی، ادبیات عرب و فقه پرداخت. پس از ۳۰ سال خدمت فرهنگی در بهمن ماه ۱۳۶۲ بازنشسته شد و اوقات خود را یکسره صرف مطالعه و تحقیق کرد.

او پیش از دوره بازنشستگی و پس از آن در کنگره‌ها و همایش‌های متعددی شرکت جست که از آن میان می‌توان به نخستین کنگره شعر و ادب پس از انقلاب اسلامی (۱۳۶۱)، شعر جنگ (۱۳۶۳)، هشتمین کنگره نهج البلاغه (۱۳۶۷)، هزاره تدوین شاهنامه (۱۳۶۹)، بزرگداشت ابن سَنَکَیت (۱۳۷۰) و ... اشاره کرد.

و اما حاصل مطالعات و تحقیقات وی، آثار زیر است:

۱. گنجینه ادب - امثال و حکم رایج در زبان عربی.

(مؤلف، ۱۳۵۸، وزیری، ۹۶ ص).

این اثر برگزیده‌ای است از امثال و حکم عربی که از بخش فرائد الادب المنجد برگرفته شده و به فارسی ترجمه و شرح گردیده است.

۲. دستور زبان فارسی عماد.

(چاپ اول: مؤلف، ۱۳۶۰، وزیری، ۱۴۸ ص / چاپ دوم: قم، نشر محدث، ۱۳۷۱، رقعی،

۲۲۴ ص).

۱- لقبی است که استاد جلال‌الدین همایی از او بدان یاد کرده است. نک: دیوان سنا، ص ۱۶۳.

۳. تعلیم و تربیت کودک و نوجوان از نظر اسلام و علمای غرب.

(تهران، حافظ، ۱۳۶۲، جیبی، ۱۲۷ ص).

۴. گلدان شکسته - برگزیده متون ادبیات فرانسوی.

(اصفهان، محبان، ۱۳۸۱، پالتویی، ۱۰۸ ص).

این اثر ترجمه برخی از شاهکارهای متون ادبیات فرانسوی است که از کتاب *Textes Francais* - گردآورده ماه‌منیر نفیسی - برگزیده و به فارسی ترجمه شده است. سه قطعه از این مجموعه در سال‌های ۱۳۴۴، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۹ به فارسی برگردانیده و به نظم کشیده شده، و باقی آن در سال ۱۳۷۸ ترجمه گردیده است.

۵. سلمان فارسی.

(اصفهان، محبان، ۱۳۸۲، وزیری، ۲۰۰ ص).

این اثر ترجمه کتابی است به همین نام از عبداللّه السبیتی که از عربی به فارسی برگردانیده شده است.

۶. تحقیق در زادالمسافر ناصرخسرو (فهرست لغات و اصطلاحات زادالمسافر).

این اثر همان پایان‌نامه دانشگاهی است که به سال ۱۳۴۳ به دانشگاه تهران تقدیم گردیده و در سال ۷۳ - ۱۳۷۲ مورد بازنگری کلی قرار گرفته است. فهرست لغات و اصطلاحات زادالمسافر همراه با متن زادالمسافر به تصحیح نگارنده، توسط مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران یا همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن در دست نشر است.

۷. منتخب زادالمسافر ناصرخسرو.

برگزیده‌ای است از زادالمسافر که برای دانشجویان انتخاب و شرح گردیده است. این رساله منتشر نگردیده است.

۸. گوهر سخن (دیوان اشعار).

مجموعه حاضر.

تأملی کوتاه در گوهر سخن

تأملی در کمیت اشعار این مجموعه - با توجه به این سال‌های دراز - بر این گفته گواست که

شاعری هیچ‌گاه شغلی شاغلی سراینده آنها نبوده است.

نخستین شعر این مجموعه به سال ۱۳۴۳ سروده شده (قصیده «پیکار با نفس»^۱)، و پس از آن چهار قطعه شعر دیگر که تاریخ ۱۳۴۴ را بر خود دارد: مثنوی «گلدان شکسته»^۲، قصیده «پیام اشک»^۳، مثنوی «مادر»^۴، غزل «سیل غم»^۵.

بیشتر اشعار این مجموعه قصیده است. در این میان، برخی قصاید در توحید و مدح پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است که پیدا است از موضوعات مورد اهتمام بوده است^۶، چنانکه برخی دیگر محصول مناسبت‌هاست و برخی دیگر در نصایح اجتماعی است و

در قصاید «گوهر سخن»^۷ و «دریای شعر»^۸ طنین مطمئن شیوه خراسانی هویدا است، در قصاید «درباره جنگ تحمیلی»^۹ و «صبح ظفر»^{۱۰} حماسه و شور موج می‌زند، در قطعه «تقدیم به مادرم»^{۱۱} و چارپاره «بانگ جرس»^{۱۲} آوای عاطفه و احساس گوش را می‌نوازد، در مثنوی‌های «گرگ و میش»^{۱۳} و «هیزم‌شکن و مرگ»^{۱۴} - که از ادبیات فرانسوی ترجمه شده - قوت داستان‌سرایی متجلی است، و

در این مجموعه تنها یک قطعه شعر نیمایی دیده شود («خورشید»^{۱۵}). شعری در قالب نو که پای‌بندی به قواعد وزن و قافیت در آن آشکار است، وزنی که البته مایه خیال‌انگیزی و شاید جوهره شعر است.

-
۱. نک: ص ۳۹.
 ۲. نک: ص ۶۹.
 ۳. نک: ص ۴۹.
 ۴. نک: ص ۷۰.
 ۵. نک: ص ۶۱.
 ۶. به ترتیب، نک: ۲۱، ۲۴، ۱۸۹، ۱۹، ۳۰، ۴۳، ۱۱، ۲، ۱۲، ۲۷، ۵۴، ۳۲، ۵، ۳۵، ۲۷، ۳۳، ۵۵، ۲۴، ۵۶، ۱۸، ۶۲.
 ۷. نک: ص ۹.
 ۸. نک: ص ۴۵.
 ۹. نک: ص ۱۴.
 ۱۰. نک: ص ۵۰.
 ۱۱. نک: ص ۹۵.
 ۱۲. نک: ص ۸۳.
 ۱۳. نک: ص ۷۱.
 ۱۴. نک: ص ۷۵.
 ۱۵. نک: ص ۱۱۷.

در این مجموعه ۴ بیت عربی نیز هست (سه بیت عربی و بیتی ملمّع) و آن در قصیده‌ای است که در بزرگداشت جدّ خویش (ره) سروده و با ابیات عربی آن را به پایان آورده است.^۱

ماده تاریخ، از دیگر زمینه‌های در خور تأمل در این مجموعه است. او به تأسی از استاد بزرگ خویش - مرحوم علامه جلال‌الدین همایی - در این وادی گام نهاده است.

ماده تاریخی که در ارتحال جدّ خویش سروده است: «قد ذهب عینٌ إلى دارالأمین^۲»،

ماده تاریخی که در رحلت والد گفته: «از عین ما نهان شد صورت ماه^۳»،

و آنچه که در درگذشت خالِ خویش به نظم کشیده: «به جنت مکین شادی و حق‌نیوش^۴».

نوای فراق و جدایی و هجرت و رستگاری در این مصراع‌ها موج می‌زند، و به همان اندازه عذب و روان است و رنگ و بویی از اسارت در سنگلاخ تکلف و تصنع در آن نیست.

در ختام این مقال، برای آگاهی خوانندگان اعداد حروف ابجد را که ملاک تعیین تاریخ است، در اینجا ذکر می‌کنم:

۱) (۱) ب (۲) ج (۳) د (۴) هـ (۵) و (۶) ز (۷) ح (۸) ط (۹) ی (۱۰) ک
 (۲۰) ل (۳۰) م (۴۰) ن (۵۰) س (۶۰) ع (۷۰) ف (۸۰) ص (۹۰) ق (۱۰۰) ر
 (۲۰۰) ش (۳۰۰) ت (۴۰۰) ث (۵۰۰) خ (۶۰۰) ذ (۷۰۰) ض (۸۰۰) ظ (۹۰۰) غ (۱۰۰۰).

هر چه هست، این مجموعه حاصل گذشتِ ایام و سیر زمانه است.

سید محمد عمادی حائری

پاییز ۱۳۸۱ شمسی

۱- نک: ص ۵۲

۲- نک: همان جا.

۳- نک: ص ۵۳

۴- نک: ص ۹۵